**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه275 – 23/ 10/ 1398 مفهوم ضرر/ مفاد حدیث لا ضرر / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره معنای ضرر در حدیث لا ضرر و لا ضرار بود. شهید صدر ضرر را به معنای نقصی که منشأ ضیق بوده ترجمه کرده و در مقابل آقای سیستانی، ضرر را به معنای واحد نقص دانسته است. در این جلسه کلام شهید صدر مورد بررسی قرار می گیرد.

## شهید صدر: تفسیر ضرر به نقص موجب ضیق

بحث درباره مفهوم ضرر بود. شهید صدر می فرماید:

أمّا كلمة (الضرر) فقد اختلفت كلمات أهل اللغة في معناها، فذكر بعضهم أنّ معنى الضرر هو: النقص في المال، أو النّفس، أو الطرف، أو العرض، و آخر أنّ معنى الضرر هو: الشدّة، و الحرج، و الضيق.[[1]](#footnote-1)

ایشان در ادامه می فرماید: ضرر عنوانی است که از نقص منشأ شدت و ضیق نفسی، انتزاع می شود. شاهد بر این مدعا این است که بر گم شدن یک دینار از ثروتمند، ضرر صادق نیست زیرا ضیق و حرجی بر او به خاطر گم شدن یک دینار ایجاد نمی شود. پس هر یک از دو تفسیر بیان شده برای ضرر، جانبی از معنای ضرر را بر عهده گرفته است.

### بررسی کلام شهید صدر

لحن ابتدایی شهید صدر این است که برخی ضرر را به نقص معنا کرده و برخی ضرر را به شدت و ضیق تفسیر کرده اند. در حالی که در عمده کتب لغوی حتی کتابی که ضرر به معنای ضیق تفسیر شده، تفسیر به نقص موجود است. نه آنکه در معنای ضرر اختلاف بوده و برخی ضرر را به نقص و برخی دیگر، به شدت و ضیق معنا کرده باشند. بلکه برخی از لغویین علاوه بر معنای نقص، معنای ضیق یا ضیّق را نیز بیان کرده اند.

به نظر می رسد باید دید برخورد لغویین با معانی مختلف بیان شده برای یک واژه به چه نحو است؟ و آیا تمام این معانی را در ردیف هم بیان کرده اند؟ بنابر برداشت بنده، ضیق به عنوان معنایی فرعی و در ترکیبی خاص و توسط برخی از لغویین برای ضرر ذکر شده است مثل مکان ضیّق، ماء ضیّق. نه آنکه ضرر به طور کلی و در تمام استعمالات به ضیق تفسیر شده باشد.

این بحث کلی نیز وجود دارد که آیا از کلمات لغویین حقیقت بودن معنا استفاده می شود؟

تفسیر ضرر به ضیق در کتاب متأخر مانند المحیط[[2]](#footnote-2) وجود داشته و لسان العرب[[3]](#footnote-3) و تاج العروس نیز این معنا را تکرار کرده اند و در کتب قدیمی مانند العین، تهذیب اللغه و کتاب الجیم، اثری از آن موجود نیست و جمهره المخصّص ابن سیده که عبارات قدما را نقل کرده، معنای ضیق را ذکر نکرده است. بله ازهری در تهذیب اللغه، مکان ذو ضرار را به مکان ضیّق تفسیر کرده و امکان دارد، ضرار در کلام ازهری محرّف ضرر باشد.

با توجه به این نکات به نظر می رسد، تفسیر ضرر به ضیق به صورت معنای کلی نبوده و در استعمالات خاص، ضرر به این معنا استعمال شده است. به همین دلیل نمی توان بین معنای نقص و ضیق مقایسه انجام داد.

## استشهاد آقای سیستانی به آیه قرآن برای نفی معنای ضیق

آقای سیستانی اشکالی در تفسیر ضرر به ضیق داشته که این اشکال به تفسیر شهید صدر نیز وارد می شود. ایشان بیان می کند: ضرر یک معنا بیشتر نداشته و از آیه قرآن استفاده می شود، ضرر به معنای ضیق نیست. در آیه بیان شده: ﴿ وَ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِن‏﴾[[4]](#footnote-4) از این آیه استفاده می شود معنای ضرر متفاوت با ضیق است زیرا یک شیء نمی تواند علت برای خودش باشد.[[5]](#footnote-5)

مرحوم صدر نیز مانند آقای سیستانی معانی مختلف ضرر را به هم ارجاع داده و ضرر را به معنای نقصی که منشأ ضیق می شود، تفسیر کرده است. به همین دلیل، این اشکال بر شهید صدر که ضیق را به عنوان قید برای ضرر بیان کرده نیز وارد است زیرا نمی توان آیه را این گونه معنا کرد: نفص و آسیبی را که منشأ ضیق است را ایجاد نکنید تا ضیق ایجاد کنید. پس اشکال آقای سیستانی اختصاص به صورتی ندارد که ضرر به معنای ضیق بوده و در صورتی که ضیق قید برای معنای ضرر باشد نیز وارد است. زیرا نباید مفهوم معلول در علت اخذ شده باشد و اخذ مفهوم معلول در علت صحیح نیست.

### پاسخ به اشکال: امکان اراده انحصار در آیه

روشن به نظر می رسد که از نظر وجدانی و ذوقی، ضرر به معنای ضیق نبوده و ضیق در معنای ضرر نیز دخیل نیست. توضیح این مطلب در ادامه بیان خواهد شد. اما با فرض معنا کردن ضرر به ضیق ممکن است آیه قرآن را به نحوی معنا کرده که اشکال آقای سیستانی وارد نباشد. در توضیح باید گفت: گاه شخص به دیگری ضرر وارد کرده و هدف او از ضرر زدن، تحصیل منفعتی برای خود است و گاه شخص به دیگری ضرر وارد می کند و تنها هدف او اذیت کردن است. در این آیه بیان شده، به زنان ضیق نگیرید به این هدف که تنها ضیق گرفته باشید در حالی که هیچ هدف دیگری ندارید. مطابق این معنا، « لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِن» در مقام حصر علت ضرر به ضیق بوده و در مقام حصر، این نوع جملات صحیح است. هر چند تکرار یک لفظ در همین مقام نیز عرفی نبوده و عرفی نیست که گفته شود: فلانی خدا را دوست دارد فقط به خاطر دوست داشتن خدا یا گفته شود: ضرر نزنید تا ضرر زده باشید. اما تکرار یک مفهوم در قالب دو لفظ مختلف در مقام حصر عرفی است. مثل اینکه ضرر (به معنای ضیق) نزنید تا به ضیق انداخته باشید. در نتیجه، ممکن است با وجود تفسیر ضرر به ضیق، آیه قرآن را معنا کرده و بیان کرد: خداوند مردان را از ضیق وارد کردن بر زنان به هدف انحصاری وارد کردن ضیق بر زنان، نهی کرده است. مطابق این معنا، آیه ناظر به صورتی نیست که مرد به زن ضیق وارد کرده و هدف او از ایجاد ضیق، هدف دیگری مانند آسایش و گشایش برای خود باشد.

با این معنا اشکال آقای سیستانی و مشابه آن اشکال ما به مرحوم صدر، رفع می شود.

## عدم صحت تفسیر ضرر به ضیق

اما اصل این که ضرر به معنای ضیق باشد، صحیح نیست. زیرا

اولا: از کلمات لغویین برداشت می شود که ضیق معنایی فرعی بوده و در موارد خاص و با توجه به خصوصیات ویژه، ضرر به این معنا استعمال شده است.

ثانیا: شاهد موجود در کلام آقای صدر که از دست دادن یک دینار توسط شخص ثروتمند، ضرر محسوب نمی شود، نیز صحیح نیست. آیا غلط است شخص ثروتمند بگوید در معامله یک دینار ضرر کردم؟ در حالی که همین شخص ثروتمند نمی تواند بگوید من یک دینار سختی دیدم. همین کاشف از تفاوت بین معنای ضرر و ضیق است. بله این نکته وجود دارد که در برخی از موارد، قراین سیاق و تناسبات حکم و موضوع، اقتضا می کند که شخص در مقام بیان مصیبت وارد شده است و در این مقام و سیاق، این جمله از ثروتمند که یک دینار ضرر کردم، صحیح نیست. پس نفس سیاق، ظهوارتی را برای کلام ایجاد می کند.

بنده برای ظهورات غیر وضعی مثال می زدم که از همشیره زاده که به مجلس روضه رفته بود، پرسیدم: روضه چگونه بود؟ او گفت: روضه خوبی بود. خامه، سر شیر، نان کنجدی و دعای ندبه داشت. هر چند در مجلس روضه تمام این موارد وجود داشته و هم فایده مادی داشته و فایده معنوی داشته است اما ذکر این موارد در کنار هم، صحیح نبوده و موجب خنده می شود. همین مطلب گاه منشأ ظهوراتی می شود. مثل آنکه شخص بگوید: در اتاق آهن، فولاد، برنج، مس و فولاد بود. در کنار فلزات قرار گرفتن برنج، باعث ظهوری برای برنج شده و از آن برنج فلز برداشت می شود نه برنج خوراکی. پس سیاق موجب استظهار معنای مناسب با سایر موارد شده و اراده معنای غیر مناسب، نوعی شوخی و مضحکه تلقّی می شود.

این نوع دلالت ها وضعی نبوده و سیاقی است. در محل بحث نیز، به کار نبردن ضرر کردن یک دینار توسط ثروتمند به علت دلالت سیاقی است نه آنکه ضرر برای ضیق وضع شده باشد. حاج آقای والد تمثیل می کردند که اگر درباره علمیت معمّمی پرسش شده و در پاسخ گفته شود: بیسواد است. بیسواد به این معنا نیست که این شخص، حتی سواد خواندن و نوشتن را ندارد. بلکه به این معناست که مجتهد نبوده یا جایز التقلید نیست. اما اگر گفته شود: با سوادی را حاضر کنید تا نامه را بخواند. در این مثال، باسواد به معنای کسی است که سواد خواندن و نوشتن دارد نه آنکه مجتهد است. پس در مقام اول، مراد از بیسواد مجتهد نبودن بوده و در مقام دوم مراد از بیسواد کسی است که سواد خواندن و نوشتن ندارد. علت این تفاوت این است که در فرض اول، سوادی که مصحّح تقلید است، مورد پرسش بوده و شخص در مقام اثبات یا نفی آن است و در فرض دوم، سواد به هدف خواندن نامه، مطالبه شده است.

در محلّ بحث نیز چون ظهور کلام در اخبار از ضرر، در مقام بیان بلیه و مصیب وارده بودن است، کلام به ضرر خاصی که موجب ضیق و سختی است، منصرف می شود. نه آنکه ضیق در معنای ضرر اخذ شده باشد. شاهد بر این مدعا نیز این است که بدون در نظر گرفتن مقام، این کلام ثروتمند که یک دینار ضرر کردم صحیح بوده و تناقض صدر و ذیلی در آن مشاهده نمی شود اما این کلام ثروتمند که یک دینار به سختی افتادم، صحیح نیست. دلیل صادق نبودن ضرر بر نقص اندک نیز به علت قرینه مقام بوده که بیان نقص اندک در مقام بیان بلیه و مصیبت، صحیح نیست اما اگر مقام تغییر کرده و شخص بگوید: خدا را شکر که تنها یک درهم ضرر کردم، این استعمال صحیح تلقّی شده و در آن، مجاز بودن احساس نمی شود. در نتیجه بین معنای ضرر و ضیق تفاوت وجود داشته و ضرر بر نقص صادق است حتی اگر منشأ ضیق نشود.

با توجه به این مطلب، تفسیر بیان شده برای آیه نیز صحیح نبوده و این تفسیر تنها برای بیان این نکته بود که اگر ضرر به معنای ضیق باشد، آیه نمی تواند نافی این معنا باشد.

در نتیجه به نظر می رسد، تفسیر معنای مکان ذو ضرر به مکان ضیّق در کلام برخی از لغوی ها، معنایی مجازی از معنای نقص برای ضرر است. زیرا اصل در مکان، وسیع بودن است و متضرّر بودن به این معناست که از وسعتی که حق طبیعی است، محروم شده و نقصی به او وارد شده است. پس نقص هر چیزی به حسب آن بوده و نقص المکان به ضیق آن است.

خلاصه آنکه، تبادر از کلمه ضرر و هم چنین استعمالات ضرر بدون احساس تناقض صدر و ذیل این است که در معنای ضرر، ضیق وجود نداشته و برداشت ضیق از ضرر در برخی از موارد، مدلول سیاقی کلام است که از قراین حالیه و مقام استفاده می شود نه آنکه مدلول وضعی ضرر باشد.

1. [مباحث‌ الأصول (تقریر حائری)، السید محمد باقر الصدر، ج4، ص520.](http://lib.eshia.ir/13104/4/520/الطرف) [↑](#footnote-ref-1)
2. المحيط في اللغة ؛ ج‏7 ؛ ص430 [↑](#footnote-ref-2)
3. لسان العرب ؛ ج‏4 ؛ ص484 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره طلاق، آيه 6. [↑](#footnote-ref-4)
5. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 113 [↑](#footnote-ref-5)